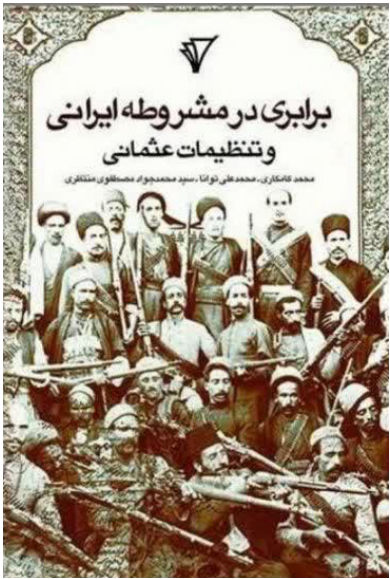


صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی الله شجاع پوریان  
سردبیر: جلال خوش چهره  
مدیر هنری: امین مریدی | چاپ: صمیم ۰۲۱ - ۶۵۵۸۶۸۰۱ | توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰  
تهران- خیابان مطهری- نزسپیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج  
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۴۹۴۳۰

### گفت‌وگو

محمد کامکاری، یکی از مولفان کتاب «برابری در مشروطه ایرانی و تنظیمات عثمانی»: اولین مشارکت سیاسی زنان در عصر مشروطه با تحریم تنباکو رخ داد

### پشتیبانی روسیه از مستبدان مشروطه‌خواه



کتاب «برابری در مشروطه ایرانی و تنظیمات عثمانی» تألیف محمد کامکاری، محمدعلی توانا و سعید محمدجواد مصطفوی منظری از سوی انتشارات هزاره سوم اندیشه به چاپ رسیده است. به مناسبت سالروز صدور فرمان مشروطه با محمد کامکاری، یکی از مولفان کتاب «برابری در مشروطه ایرانی و تنظیمات عثمانی» به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

«مشروطیت یکی از حوادث بزرگ تاریخ ایران است که به لحاظ تأثیر عمیق و ماندگار آن در سیاست و فرهنگ این سرزمین نقطه عطفی در تاریخ کشورمان به شمار می‌رود، کتاب «برابری در مشروطه ایرانی و تنظیمات عثمانی» از چه منظری به این بخش از تاریخ معاصر ایران پرداخته است؟»

ما از منظر اندیشه سیاسی و با استفاده از روش تاریخی به این موضوع اشاره کردیم و برای ما مفهوم برابری در کنار آزادی از مهمترین ارکان مشروطیت به حساب می‌آید زیرا مهمترین ایده مدرنیته در ایران محسوب می‌شد لذا در قانون مشروطیت برای اولین بار از برابری افراد فارغ از مذهب،جنسیت،قومیت و نژاد بحث شد و به دنبال این بودیم که آیا جریان‌های فکری، سیاسی و مذهبی عمق این مفهوم برابری را درک کرده‌اند یا خیر و شباهت‌ها و تفاوت این درک و برداشت‌ها در چه بود، چون دین خود برابری اساسا مدرنیته رخ نمی‌دهد.

«عنوان کتاب «برابری در مشروطه ایرانی و تنظیمات عثمانی» است،هدف از برابری و تنظیمات عثمانی را تبیین کنید؟»

جامعه سنتی ایران و ترکیه باید تکلیف خود را با ابعاد مدرنیته مشخص می‌کردند آیا همچنان باید به شیوه زیست سنتی ادامه می‌دادند یا با ایجاد تغییرات اجتماعی،فرهنگی و سیاسی بسوی مدرن شدن گام برداشتند و مدرن شدن خود بدون تغییر در اندیشه و نگرش جامعه نبود،یعنی اینکه رعایا را تبدیل به شهروند بدل می‌کرد و گامی به سوی شکل‌گیری ملت مدنی نیز بود و شهروندانی که خود را با یک هویت تحت برکت عنوان ملت تعریف می‌کردند همه آنها عضو یک جامعه مدنی بودند و یک پیکره واحد به نام ملت می‌ساختند،چون در جامعه ایرانی و ترکیه چند قومیت‌گری و مذهب‌گرایی رسوخ کرده بود.به همین دلیل ما به دنبال مفهوم برابری در این جامعه هستیم که بدانیم دامنه ابعاد و قلمرو این برابری تا کجا گسترش یافته است و بنیان هستی‌شناختی آن چگونه تبیین می‌شود.

«با توجه به بیست‌ترهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی عصر مشروطه، به یکی از مباحثی که اشاره شده حقوق زنان است، نگاه به حقوق زنان در این کتاب چگونه بیان شده است؟»

مسئله حقوق زنان یکی از مناقشه برانگیزترین موضوعات در حوزه علوم سیاسی محسوب می‌شود.به همین دلیل معتقد هستم که اولین مشارکت سیاسی زنان در عصر مشروطه زمانی رخ داد که فتوای تحریم تنباکو که توسط میرزا حسن شیرازی صادر شد، زنان در اندرون شاه این فرمان را اجرا کردند و قلبان‌های خود را شکستند و در بیشتر حوادث عصرقاجار مانند توطئه قتل امیرکبیر و غیره زنان نقش مهمی را ایفا می‌کردند اما با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ و مساهد ۱۰ قانون انتخابات مجلس زنان هم ردیف ورشکستگان،متکدیان از حق انتخاب کردن محروم شدند و همچنان به موجب ماده ۱۳ همان قانون در کنار شاهزادگان،افسران،نبروهای مسلح و مقصران سیاسی از حق انتخاب شدن محروم بودند.پس این موضوع نشان می‌دهد که زنان با رشادت‌هایی که در طول تاریخ مشروطه از خود نشان داده‌اند نتوانستند به جایگاه حقوق سیاسی خود به‌عنوان یک کنش‌گر سیاسی دست پیدا کنند،چون نظام پدرسالاری جایگاه زنان را صرفاً عرصه خصوصی می‌دانند اما این موضوع در امپراتوری عثمانی به شکل دیگری بود،زنان می‌توانستند در خرید و فروش املاک،ارث بردن و وصیت فعالیت‌های مالی داشته باشند.حتی بعد از تصویب قانون تنظیمات،اولین مدارس دخترانه در سال ۱۸۵۸ تأسیس شد ولی زنان همچنان از حقوق سیاسی خود محروم بودند.بدین منظور وضعیت زنان در دو امپراتوری بعد از فرمان تنظیمات و مشروطه در محبت حقوق مدنی و اجتماعی پیشرفت چشم‌گیری داشت اما در محبت حقوق سیاسی تغییر چندانی نداشت.

«در کتاب «برابری در مشروطه ایرانی و تنظیمات عثمانی» به نقش استعمارگران در پیدایش اصلاحات اشاره شده است،هدف از نقش استعمارگران در پیدایش اصلاحات و تغییر در ساختار سیاسی کشور را چگونه تبیین می‌کنید؟»

در امپراتوری عثمانی با فشارهایی که از سوی کشورهای

### ما همسواران ما محصله

بررسی دفتر شعر «دوته» جعفر محمدی واجارگاهی

### تو را چیده بودند در بلوغ نام‌های نارس



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

«خالی ام، خالی تر از پنجره‌های تاریک/ که زنی زیستنتش را گورستان کرده/ و تنها دوته می‌بافد در اندوه/خالی از همه‌همه‌های خیابانی خیس که تو را در تو حل کرده.»

این دفتر شعر غیر معمول ۱۶۲شعر سپید سوزن‌نال دارد. پیش از دفتر شعر «دوته» واجارگاهی گاهی ۹دفتر شعر را بر بساط نشر نشانده بود. واجارگاهی شوق و اشتیاق زایدالوصفی به رسیدن به حوزه‌های ناشناخته و کشف نشده و در طلب ناممکن است. واجارگاهی ذوق ویژه‌ای در گزینش واژگان بومی گیلانی دارد. شاعر مثل نیما وازگان بومی را در آغوش واژگان سره فارسی قرار می‌دهد: \*

«کوچه ای بن بستم که «آجارش» با حلب های کهنه میخکوب است ... «آجارش: استخوان های بالای بدن که از لاغری نمایان است ...»

بی فایده بود امانی در «دوته ای» که پریشان نمی‌ماند، هنوز به سایه ها عادت داشت و نشان از ابری که محالش بارانی ست و شب را ناله زده تا سپیده نیست.»

«دوته: معنی یافتن یا بافته شدن میدهد، در این جا معنی موی بافته شده است ...»

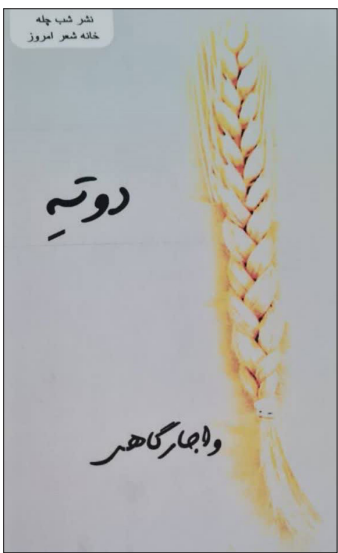
شعر واجارگاهی مانند همه شعرهای شامولوار، ضرب آهنگ کلامی امروزی دارد. ترکیب کلام و وقف ها و تاکیدهای جمله از الگوهای منظمی پیروی می‌کند که به هماهنگی و قسمی درونی می‌رسد.

اگر این گونه همسازی و هماهنگی بر واژه‌ها تحمیل شود، کلامی بی روح به دست می‌آید، اما در سروده‌های واجارگاهی این موزیک و هماهنگی از درون خود سخن می‌بالد. تاکیدها و وقفه‌ها و زیربوم جمله‌ها از معنای سخن حاصل می‌شود، یعنی از کیفیت و فشار عاطفه و معانی پشت واژه‌ها به دست می‌آید که موج و حرکتی به سخن شاعر داده است که بیشترین تأثیر را بر خواننده می‌گذارد.

واجارگاهی گوشه چشمی به عرفان دارد، یعنی به درون گرایش پیدا می‌کند و یله و آزاد است و مانند کبوتر مولانا رو و هوای گرگ و میشی پرواز می‌کند و به عرفان آبی نزدیک می‌شود:

«دست بر دار نبودند / تو را چیده بودند / و قرار نبود شرح ات / پنجره ای را باز کنند / چند واژه ی حل نشده می توانست تو را در من حل کند / چشمانت را از سقوط پس بگیرد / و به اندوهی که غمت را سنگ دو زده سلامی بگوید / اشتباهی با واژه هایی ور رتم / که بیداری را نفهمید / اشتباهی خودم را تشییع کردم / در نام های چند رنگ / حواسم نبود / این خیس را گیج مانده ام / حواسم نبود / تو را چیده بودند در بلوغ نام های نارس / و «دوته‌هایت» را تعارف کرده بودند به یاد / من در این آغاز / رنگ پریده ماندم / از این همه ادامه / که تو را می مکید بی شرح.»

واجارگاهی مردی کوهستانی است که در نسیم سحر جنگل و قله ها تنفس



می‌کند و از چشمه های زلال آب می‌نوشد، واجارگاهی، عاشق جنگل، کوه، درختان، دریا، باران، پروانه، لحن خاک، ابر، مرداب، لمه (سقف چوبی) موج، علف، پرند و اجاق روشن و کله های روستایی است:

«پرند من، صدای باد را می شنوی؟ / اتفاقی می افتد / اتاقی که در تنم پهن است / به جنگل تبدیل می‌شود / تو زینا بودی که جنگل در من می زیست / آمده بودم افسردگی درخت را / از لب پنجره به دارم / پنجره ای برگشت رو به دیوار و این جنگل بود، همچنان پرند اش را صدا می زد.»

شاعر برای این که تنهایی را تاب بیاورد، و واقعیت‌های سخت و سنج را کنار بزند به جنگل و دریا و ستاره و ماه و عشق پناه می‌برد و می‌خواهد روزنه‌ای به دنیای کهن، به جهان آب و آینه باز کند ولی نمی‌تواند.

او زندگی را بی ارزش و بی قدر می‌داند و با چنان آهنگی در این عرصه پیشروی می‌کند که دست شوپنهاور و کامو را از پشت می‌بندد و جهان را پوچ و لبریز از خستگی و درهم شکستگی می‌داند: «دشوار یعنی / همین اندازه که آدمی می‌فهمد عشق هست، تنهایی هست/ دوره می‌کند خودش را دوره کرده در عشق ماهیتش سکوت مانده/دوره شده در من پرندگانی که نامت را سقوط می‌کنند/ کدام رفتن را نشانم می‌دهند که این‌گونه مرده ام را در تو زندگی می‌کنم/ شیشه تنهایی که دست بردار نیست برمی‌گردد به تو.»

شاعر در متن رویدادها زندگی می‌کند و هبوط خویش را تماشا می‌کند و به زبان تصویر و رمز و نماد، حدیث این زندگی مرگبار را بازگو می‌کند. جهان‌نگری شاعر در این اشعار متبلور نشده است ولی شاعر پوئیک «شعر تجسمی» خود را در متن عرضه می‌کند و از دریچه عواطف و اندیشه‌های خود به هستی و نیستی می‌نگرد و گوشه‌های تاریخ شعر و زبان را جلوه گر می‌کند. شعر واجارگاهی، بیان تمام واقعیت‌ها نیست، بلکه عطیه سخن مند «هستی» (بودن، وجود) است و این دادوری را می‌توان در چند شعر شاعر به وضوح دید که به قول هولدرلین و نصرت رحمانی و فروغ آنچه می‌ماند شعر و ارمان شعر است و تنها صداست که می‌ماند، مورد یک: «هر از گاهی که آغاز کبوتر / از شعر جدا می‌ماند / برهنه بر پاره‌ها ای ابر / شکسته در ساقه های رنج / چون شلنگی رها در باد / تشنه / تشنه / خونهای ی شعر را / بالا می‌آورم / که غروب / در آغاز رنگ / به بال پروانه‌ای پرواز بدهد.»

مورد دوم: «در خیالم / بالا دست گورم ایستاده ام / هنوز خالی است / عمیق است اما صدامم را می‌پیچاند / - مایه قادر باشم بروم / یقینی که تمام می‌داند راهی کند.» در سروده‌های شاعر، سطرهایی هست که هم از حس امروزینه خبر می‌دهد و هم از اکتشاف شاعرانه و هم در آنها اندیشه و فلسفه هست و هم فوران و غنای عاطفی، با آهنگ و سخن امروز که بحرانی را در جهت یابی ما نشان می‌دهد، اما از جنگ خود بازی گشتم و شهید روزگارم بودم.»



۰۹۱۲۱۸۳۸۵۳۷  
۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱

### روزنامه‌نگاری

گفت‌مش سیر بینم مگر از دل برود / آن چنان پای گرفته‌ست که مشکل برود / دلی از سنگ باید به سر راه وداع تا تحمل کند آن روز که محمل برود / چشم حسرت به سر اشک فرو می‌گیرم که اگر راه دهم قافله بر گل برود ره ندیدم / چه برفت از نظرم صورت دوست همچو چشمی که چراغش ز مقابل برود / موج از این بار چنان کشتی طاقت بشکست که عجب دارم اگر تخته به ساحل برود

### مجاز و استعاره

● مهاجرت به آمریکا اینطوریه که بعد چند سال به خاطر فاصله زیاد و نوع ویزاش، از دید خانواده و دوست و آشنا انگار مُردی، هر چند وقت به بار میری به خواشون.(Hesam)

● یکی از آشناها زنگ زد بعد از سلام و احوال پرسى آخرش گفت داری به ۶میلیون بهم قرض بدی من تا ۰.۷م.اه دیگه بهت برمی‌گردوم. گفتم فلانسی آره دارم ولی به خدا یکسی دو ماه دیگه وقت اسباب کشیمه اگر می‌تونی تا اون موقع برگردونی چشم. گفت می‌میری بدی؟ نمی‌خوای بدی نده خبا قطع کرد.(Bahar)

● کی می‌خوای بیاد بگیریم که به غذا فقط به چشم سیر شدن نگاه نکنیم متأسفانه ما فقط غذا می‌خوریم که سیر شیم و عده‌های کم حجم و لذت بردن از غذا تو فرهنگ ما اصلاً تعریف نشده سعى کنیم بیشتر روی کیفیت و لذت بردن از غذا تمرکز کنیم نه فقط سیر شدن!(AREZOO)

● منوی کجاش قشنگه؟وقتی با ۲۴سال سن اومد خواستگاریم دخترای فامیل مسخره کردن که هیچی نداره،خیلی لهجه داره،بحطور میخوای زشن بشی نه خونه داره نه کار درستی داره؟حالا که زندگیمونو ساختیم و تقریباً همه چی رو به راه پشت سرم میشین میگن والا فلانی شانس داشت از شوهر خوشبchalش چشمه همه چی داره. (angel ava)

### علم و فناوری

#### کاشت تراشه در مغز دومین بیمار

##### توسط ایلان ماسک تایید شد

استارت‌آپ «نورالینک» دومین تراشه خود را در مغز یک بیمار کاشته است تا هدف کمک کردن به افراد فلج را در استفاده از دستگاه‌های دیجیتال با قدرت فکر کردن محقق کند. «ایلان ماسک» (Elon Musk) مالک استارت‌آپ «نورالینک» (Neuralink) در یک یادگست اعلام کرد که این استارت‌آپ با موفقیت تراشه خود را در مغز دومین بیمار کاشته است تا توانایی استفاده از دستگاه‌های دیجیتال با فکر کردن را برای بیماران مبتلا به فلج اندام فراهم کند.

به نقل از گاردین، نورالینک به آزمایش کردن تراشه خود می‌پردازد که برای کمک به افراد مبتلا به ضایعات نخاعی در نظر گرفته شده است. این دستگاه به اولین بیمار کمک کرد تا بازی‌های ویدیویی را انجام دهد، اینترنت را جست‌وجو کند، در رسانه‌های اجتماعی پست بگذارد و مکان‌نما را روی لپ‌تاپ خود حرکت دهد.

ماسک در اظهارات خود، جزئیات کمی را درباره شرکت‌کننده دوم ارائه کرد و فقط گفت که این شخص به همان اسنپ نخاعی بیمار اول دچار شده است که در یک حادثه غواصی فلج شده بود. به گفته ماسک، ۴۰۰ الکتروود روی مغز بیمار دوم کار می‌کنند. نورالینک در وسایط خود نوشته است که تراشه از ۱۰۲۴ الکتروود استفاده می‌کند.

ماسک گفت: به نظر می‌رسد که کار با تراشه دوم بسیار خوب پیش رفته است. سیگنال‌ها و الکترودهای بسیاری وجود دارند که خیلی خوب کار می‌کنند.

ماسک زمان انجام شدن جراحی دومین بیمار را فاش نکرد و گفت که انتظار دارد نورالینک تراشه‌های بعدی را در سال جاری به عنوان بخشی از آزمایش‌های بالینی خود در مغز هشت بیمار دیگر قرار دهد.

«نولاند آرباغ» (Noland Arbaugh) اولین بیمار دریافت‌کننده تراشه نیز در این یادگست به همراه سه مدیر نورالینک حضور داشت. آنها جزئیاتی را درباره نحوه عملکرد تراشه و جراحی تحت هدایت ربات ارائه کردند.

پیش از اینکه آرباغ تراشه را دریافت کند، از یک چوب در دهانش برای ضربه زدن به صفحه نمایش تبلت استفاده می‌کرد. آرباغ گفت که با کمک تراشه اکنون می‌تواند به آنچه می‌خواهد روی صفحه رایانه ظاهر شود، فکر کند تا دستگاه آن را انجام دهد. وی خاطرنشان کرد که این تراشه به او کمی استقلال داده و اتکای او را به مراقبان کاهش داده است.

آرباغ در ابتدا پس از جراحی با مشکلاتی روبه‌رو شد زیرا سیستم‌های کوچک تراشه جمع شدند و کارآیی الکترودهایی که می‌توانستند سیگنال‌های مغز را اندازه‌گیری کنند، کاهش یافت. رویتر گزارش داده که نورالینک از این موضوع در آزمایش‌های خود روی حیوانات آگاه بوده است.

نورالینک گفت که با ایجاد تغییراتی شامل اصلاح الگوریتم تراشه برای حساس‌تر شدن، توانایی تراشه را برای نظارت بر سیگنال‌های مغزی آرباغ بازپایی کرده است. ماسک در یادگست گفت که آرباغ رکورد جهانی پیشین خود را در افزایش سرعت کنترل مکان‌نما با فکر کردن به تنهایی بهبود بخشیده است.